

مهاجران افغانستانی و بحران کرونا

علی اکبر سجادی



نزدیک به چهار دهه از حضور گسترده‌ی افغانستانی‌ها در ایران می‌گذرد. در حال حاضر، بنا به آمارها و برآوردهای مختلف حدود ۱,۵ تا بیش از ۲,۵ میلیون مهاجر افغان در ایران زندگی می‌کنند که تا ۳٪ از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند.^(۱) بخشی از مهاجرت افغان‌ها مربوط به کارگران فصلی است که از افغانستان با انگیزه‌ی کسب درآمد و شغل راهی ایران می‌شوند^(۲،۳) و بخش عمده‌ی دیگر مربوط به پناهندگانی می‌شود که به دلایل جنگ و کسب امنیت دهه‌هاست ایران را برای زندگی، کار و گذران عمر خود و فرزندان‌شان انتخاب کرده‌اند. بر طبق منابع رسمی پناهندگان ثبت‌نام شده دارای کارت آمایش (۹۵۱ هزار نفر)، دارندگان گذرنامه‌ی افغانستانی (۴۵۰ هزار نفر) با روایید ایران هستند. گفته می‌شود حداقل یک میلیون نفر مهاجر افغانستانی بدون مدارک در ایران^(۴) زندگی می‌کنند. ۹۷ درصد از آن‌ها در مناطق شهری و روستایی و ۳ درصد از آن‌ها در ۲۱ اردوگاه تحت مراقبت UNHCR و سازمان‌های غیردولتی خارجی و اداره‌ی امور اتباع و مهاجران خارجی (BAFIA) زندگی می‌کنند.^(۱،۵)

با اعلام رسمی شیوع بیماری کرونا در ایران دولت و وزارت بهداشت ایران اقدامات و آگاهی‌رسانی‌هایی برای پیشگیری از شیوع این بیماری انجام دادند و برای مثال در همین چارچوب از شهروندان می‌خواستند که مرتب دست‌هایشان را بشویند، از دست دادن و تا حد امکان از حضور در اماکن عمومی پرهیز کنند و برای مدتی در خانه‌هایشان بمانند. اکنون با گذشت بیش از سی روز از اعلام رسمی شروع اپیدمی کرونا، بحران حاصل از این بیماری هر روز زوایای جدیدی به خود می‌گیرد. به‌عنوان مثال تجربه‌ی زیسته‌ی مهاجران افغانستانی ساکن در ایران نشان می‌دهد که به‌رغم گفته‌های مسئولان درباره‌ی «**دموکرات بودن ویروس کرونا**» و انتقال از راه تماس و حضور در اماکن شلوغ عوامل دیگری نظیر «**وضعیت شغلی و فقر**»، «**مستثنی‌سازی از سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی**»، «**رسوب سیاست‌های مهاجرتی در بین برخی شهروندان ایران**» و «**رفتار سلیقه‌ای مسئولان**» از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر خطر ابتلا به این بیماری برای مهاجران افغانستانی است.

در ادامه تلاش می‌شود تا اجزای صورت‌بندی یادشده بیش‌تر تشریح شود.

۱. وضعیت شغلی و فقر

با آغاز شیوع کرونا، توصیه‌های بهداشتی برای شست‌وشوی مداوم دست و استفاده از ماسک و دستکش در اخبار، گزارش‌ها و فضای مجازی بازار مصرف این مواد را داغ کرد و به دلیل تقاضای مصرفی مردم و تقاضای سوداگرانه‌ی محترکان، عرضه‌ی این مواد با مشکل مواجه شد تا جایی که می‌توان گفت به دلیل افزایش سرسام‌آور قیمت برخی اقلام بهداشتی، استفاده از ماسک، دستکش و ژل ضدعفونی‌کننده برای امنیت سلامت، به امری کم‌وبیش طبقاتی بدل شد؛ به گونه‌ای که تاحدودی امکان دسترسی به منابع مالی، به امکان استفاده از این مواد بهداشتی منتهی می‌شد. روی دردناک و تأسف‌برانگیز این شرایط زمانی آشکار می‌شود که با بهره‌گیری از دو متغیر وضعیت شغلی و وضعیت فقر به تحلیل میزان دسترسی مهاجران افغانستانی به ملزومات بهداشتی و امکان قرنطینه‌سازی خود پردازیم. میزان بالای فقر و سوء‌تغذیه از ویژگی‌های جامعه‌ی پناهندگان افغان در ایران است و بنا به پژوهش‌های صورت‌گرفته تعداد پرشماری از خانواده‌های پناه‌جوی افغان قادر به تأمین حداقل آموزش، تغذیه و استانداردهای زندگی شرافتمندانه برای اعضای خود نیستند.^(۳،۶) این گزاره‌ها شرح حال جمعیتی است که در کنار نگرانی‌های معیشتی اکنون باید نگران خطر ابتلا به بیماری کرونا هم باشند و بنابه توصیه‌های بهداشتی از ماسک و دستکش استفاده کنند و مرتباً دست‌های خود را با آب و صابون و محلول‌های ضدعفونی بشویند تا از خطر ابتلا به این بیماری و مرگ‌ومیر ناشی از آن در امان بمانند.

درمورد بررسی متغیر وضعیت شغلی مهاجران افغانستانی که عامل تأثیرگذار بر فقر است نیز باید افزود که تاکنون درباره‌ی ساختار شغلی مهاجران افغانستانی آمار دقیق و

رسمی منتشر نشده و در این جا ما به تحقیقاتی که تاکنون پژوهشگران در این زمینه انجام داده‌اند اشاره می‌کنیم. بنابه نتایج این تحقیقات بیش تر زمینه‌های حقوقی کار برای پناهندگان افغان مشاغل پست، کم درآمد، غیررسمی و ناامن است،^(۷) اگرچه در طی دهه‌های گذشته، موقت کاری، ارزان کاری و کار غیررسمی به ویژگی اصلی بازار کار ایران بدل شده است (خیراللهی، ۱۳۹۷) اما آن چیزی که شرایط را برای افغانستانی‌های ساکن ایران دشوارتر می‌کند مقرراتی اضافی است که یک کارگر افغان در کنار دیگر بدن‌های ارتش ذخیره‌ی نیروی کار باید برای اشتغال و کسب معیشت در بازار کار ایران رعایت کند؛ مقرراتی شامل پرداخت هزینه برای صدور پروانه‌ی کار یک‌ساله^(۸) و رعایت محدودیت‌های شغلی که در صورت رعایت نکردن این مقررات فرد خاطی بازداشت و متحمل پرداخت جریمه به دلیل اشتغال غیرقانونی می‌شود. پرداختن به جزئیات شیوه‌ی اشتغال مهاجران افغانستانی خارج از بحث این یادداشت است و بحث مفصل دیگری را می‌طلبد اما آن چیزی که باید در این جا متذکر شد سرکوب شغلی، ایجاد ناامنی شغلی، عدم تحرک شغلی، کاهش سطح دستمزدها، مستثنی‌سازی از قانون کار و به تبع آن مشکلات معیشتی است که برای این قشر از جامعه‌ی کارگری ایران در طی سال‌های اخیر پدید آمده است.

از سوی دیگر، با توجه به اتمام اعتبار قانونی اقامت مهاجرانی که کارت آمایش دارند در تاریخ ۳۱ خردادماه سال جاری، الزام به تمدید و پرداخت هزینه‌های آن^(۱۰) به مسأله‌ی دیگری برای افغانستانی‌های ساکن ایران در روزگار کرونایی و بحران‌های اقتصادی بدل شده است. با در نظر داشتن وضعیت شغلی و معیشتی غالب افغانستانی‌های ساکن ایران و توجه به این مؤلفه‌ها و اصرار مسئولان برای در خانه ماندن شهروندان و برخی سخنان کارشناسان مبنی بر درگیری با این بیماری تا خرداد ماه،^(۱۱) هم‌اکنون علاوه بر مسائل معیشتی در ایام کرونایی، اتمام اعتبار کارت آمایش و جواز کار و هزینه‌های آن به نگرانی‌های سرپرستان خانوار و افراد شاغل ۹۵۱ هزار افغانستانی دارای کارت آمایش افزوده است. با توجه به وضعیت فقر و اشتغال در مورد زندگی افغانستانی‌های

ساکن ایران در روزگار کرونایی، باید پرسید چه گونه می توان از کارگرانی که به سبب بحران های اقتصادی و قوانین کار معیشت آن ها متزلزل گشته و به ورطه ی فقر کشانده شده اند انتظار داشت برای سلامتی خود، خانواده و جامعه در خانه بمانند! بدن هایی که در خانه اضطراب و اضطراب معیشت دارند و در بیرون در معرض تهدید بیماری و مرگ هستند!

محمد، یکی از افغانستانی هایی است که در حاشیه ی شهر مشهد سکونت دارد، او از فرزندان افغانستانی های ساکن ایران است که لیسانس حسابداری دارد و کارگر ساختمانی است، او در ایام بحران کرونا (از اول اسفند تا ۲۸ اسفندماه) به سر کار می رفته وقتی از او پرسیدیم؛ نگران سلامتی ات نیستی و چرا در خانه نماندی؛ با لحن جدی گفت: «چه کار کنم برار، سرکار نرم تو خرجم و میدی!»

این شیوه ی زندگی اضطراب جفای بیش تری نیز نسبت به زنان کارگر مهاجر داشته در گفت و گوی کوتاهی با خانم میان سال افغانستانی که در کارگاه تولیدی لباس در حاشیه ی شهر مشهد کار می کرد متوجه نوع دیگری از تجربه فرودستی و استثمار شدیم، مصاحبه شونده نیز همچون مورد قبلی تا اواخر اسفندماه به سرکار می رفته، در گفت و گو درباره ی بیماری کرونا وقتی از او پرسیدیم چرا در خانه نماندی! مگر سلامتی ات برایت مهم نیست! پاسخ داد: «سرپرست کارگاه مان گفته "هرکی تعطیل کنه حقوقشو نمی دم، ماه اول حقوقم نگه داشتن، الانم اگه نرم حقوقم و نمیدن» گویی بحران کرونا نیز نتوانسته عطش انباشت سرمایه را بکاهد! جالب این جاست که حقوق کارگران این تولیدی با ساعات کاری روزانه ۷:۳۰ صبح الی ۱۷ عصر که حدود ۳۰ زن و دختر جوان در آن اشتغال داشتند ماهیانه ۶۰۰ هزار تومان است.

در موردی دیگر در صفحات فضای مجازی خبرها و تصاویری درباره ی به کارگیری کارگران شهرداری تهران برای زیباسازی و رنگ آمیزی جداول شهری در ایام منتهی به نوروز منتشر شد. اگر این سخن پرویز حناچی در نیمه ی اول سال ۹۸ را ملاک قرار دهیم

که: «زیبایی‌های شهر را مدیون کارگران افغانستانی هستیم» می‌توان ادعا کرد که کارگران به کار گرفته شده برای رنگ آمیزی در روزهای بحران کرونا نیز عمدتاً از کارگران افغان بودند.

دریافتیم که در شرایط تزلزل اقتصادی و معیشتی نمی‌توان انتظار داشت تا بدن‌هایی که درگیر شیوه‌ی زندگی اضطراب و شلاق معیشت بر بدن‌هایشان هستند به توصیه‌ها برای قرنطینه کردن خود و استفاده‌ی مستمر از ملزومات بهداشتی بپردازند در نتیجه مهیا نشدن حداقل شرایط رفاهی از طرف دولت و استمرار حضور در خیابان و کارگاه جهت کسب معیشت خطر ابتلا به این بیماری را در بین مهاجران افغانستانی به شدت افزایش می‌دهد.

۲- عدم شمولیت در حوزه‌های رفاه عمومی و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی

سیاست‌های جمهوری اسلامی در قبال مهاجران افغان فراز و فرودهای فراوانی داشته است؛ در پی انقلاب ۱۳۵۷ و ظهور پدیده‌ی آوارگان و پناهندگان جنگی افغان به ایران، در آن زمان به دلیل روحیه‌ی حاکم در فضای ایران تصمیم به اتخاذ سیاست درهای باز در قبال مهاجران افغان شد^(۱۲) به طوری که مهاجران می‌توانستند در شهرها و روستاها به دور از محدودیت سکونت کنند و همچون شهروندان ایرانی دسترسی یارانه‌ای به غذا، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان داشته باشند.^(۱۳) اما پس از سقوط دولت احزاب خلق و پرچم و در پی بروز دوباره‌ی جنگ‌های داخلی و روی کار آمدن طالبان در افغانستان به دلایل امنیتی و اقتصادی محدودیت‌های گسترده‌ای بر سکونت و رفت و آمد مهاجران افغانستانی اعمال شد به گونه‌ای که شاهد کنار گذاشتن سیاست درهای باز و جایگزینی آن با سیاست اخراج و جایگزینی سیاست اخراج با اجازه‌ی اقامت موقت در طی سال‌های اخیر هستیم.

ظهور و افول این سیاست‌های مهاجرتی و تحول سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های گذشته نیز نقش مهمی در شیوه‌ی معیشت و زیست این قشر از جامعه‌ی ایران

داشته به عنوان مثال در حوزه سیاست گذاری اجتماعی با این که حدود چهار دهه از حضور مهاجران افغانستانی در ایران می گذرد و در طی این سال ها رویدادهای زندگی ازدواج و تولد و مرگ و میر نیز همراه این قشر بوده، هم اکنون با نسل های سوم و چهارم فرزندان افغانستانی های مواجه هستیم که به سبب به رسمیت شناخته نشدن حقوق شهروندی و عدم شمولیت در قانون کسب تابعیت ایرانی پس از دهه ها سکونت در ایران همچنان به عنوان مهاجر افغانستانی شناخته می شوند و از حقوق اجتماعی در مقام یک شهروند ایرانی محرومند. این عامل متغیر اصلی محرومیت ها و نادیده گرفته شدن افغانستانی های ساکن ایران در سیاست های اجتماعی و اقتصادی در سال های اخیر بوده است.

در حوزه سیاست گذاری اقتصادی نیز بدون شک یکی از چالش برانگیزترین سیاست های کلان اقتصادی که مستقیم با معیشت مردم ایران در ارتباط بوده سیاست های هدفمندسازی یارانه ها بوده است. این سیاست نیز به دلیل غیررسمی و دیگری دانستن افغانستانی های ساکن ایران، جایی برای آنان در کنار شهروندان ایرانی تحت پوشش خود در نظر نگرفت. به تبع آن فشار مضاعفی ناشی از تورم و آزادسازی قیمت ها در طی سال های اخیر به آن ها وارد شده است. در هفته های گذشته نیز وعده هایی از سوی دولت برای پرداخت بسته های حمایتی به خانوارهای فاقد درآمد و خانوارهای متضرر از بیماری کرونا اعلام شد و مسلماً با توجه به غیررسمی دانستن افغانستانی های ساکن در ایران و مستثناسازی آنان از حوزه های رفاهی این افراد و خانواده هایشان نیز از بسته های حمایتی دولتی برای مقابله با ویروس «دموکرات» کرونا بی بهره خواهند ماند.

۳- رسوب مهاجرتی در بین برخی شهروندان ایران و رفتار سلیقه ای

مسئولان

با افزایش شمار مبتلایان به ویروس کرونا در کشور، برای پایش بهتر و مستمر شهروندان گشت‌های سیار پایش سلامت در برخی شهرهای ایران که درگیر اپیدمی کرونا هستند شروع شد.^(۱۴) یکی از این شهرها، قم است که اولین موارد ابتلا به کرونا و مرگ‌ومیر ناشی از آن نیز از همین شهر دیده شد. این شهر یکی از شهرهای مهاجرنشین ایران است بنا به اخبار و آمار ارایه شده در این شهر ۶۵ هزار افغانستانی زندگی می‌کنند، در طی روزهای گذشته خبرها و گزارش‌هایی از محرومیت افغانستانی‌های ساکن این شهر از دسترسی به خدمات پایش سلامت و تشخیص کرونا انتشار یافت، در یکی از این گزارش‌ها مادر و پسری افغان وقتی برای پایش سلامت خود به یکی از گشت‌های سیار سلامت برای مقابله با کرونا در میدان نبوت شهر قم مراجعه می‌کنند، به‌دلیل چهره‌ی متفاوت‌شان توسط مسئول مربوطه از صف بیرون شده و از پایش سلامت وی و مادرش به دلیل غیرایرانی بودن ممانعت به عمل می‌آید.^(۱۵) در مورد دیگری در گزارشی با عنوان تبعیض علیه افغانستانی‌ها در درمان کرونا از زن و شوهری یاد می‌شود که اگرچه در درمان بیماری از سوی پزشکان مرکز درمانی با تبعیضی مواجه نشده‌اند اما در زمان ترخیص از بیمارستان به‌رغم اعلام مسئولان وزارت بهداشت مبنی بر رایگان بودن درمان کرونا از این خانواده درخواست پرداخت هزینه‌های درمانی می‌شود. در ادامه‌ی همین گزارش، خبرهای دیگری نیز از نفروختن ماسک و محلول ضد عفونی توسط داروخانه‌ها و عدم‌پذیرش بیماران افغان مبتلا به کرونا در برخی مراکز درمانی در همین گزارش منتشر شده است. بروز این رفتارها را باید بخشی به‌عنوان رفتار سلیقه‌ای در اجرای مصوبات و بخشنامه‌ها و بخش دیگر ناشی از رسوب و تسری فرهنگ مهاجرتی رسانه‌ها^{(۱۸)(۱۷)(۱۶)} (۱۹) و سیاست‌های مسئولان^(۲۰) طی دهه‌ی ۷۰ تا اوایل دهه‌ی ۹۰ در بین برخی شهروندان ایران دانست.

در یادداشت بالا با اشاره به وضعیت شغلی و فقر، مستثنی سازی ها از سیاست های اجتماعی و اقتصادی، رسوب مهاجر ستیزی در میان برخی شهروندان و رفتار سلیقه ای مسئولان در قبال افغانستانی ها سعی شد تا تجربه ی مهاجران افغانستانی در روزگار کرونایی صورت بندی و ارایه شود. بدون تردید در چنین شرایطی، عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر و تشدیدکننده ی ابتلا به کرونا در بین افغانستانی های ساکن ایران تأثیری دوچندان دارد.

پی نوشت ها:

۱. Divkolaye H, Sadat N, Burkle FM. The Enduring Health Challenges of Afghan Immigrants and Refugees in Iran: A Systematic Review. PLoS Curr. ۲۰۱۷;
۲. A. Strand, A. Suhrke KBH. Afghan Refugees in Iran : ۲۰۰۴;
۳. Christensen JB. Guests or trash Iran's precarious policies towards the Afghan refugees in the wake of sanctions and regional wars. Copenhagen, Denmark: DIIS· DANISH INSTITUTE FOR INTERNATIONAL STUDIES; ۲۰۱۶.
Available from: www.diis.dk
۴. UNHCR. [UNHCR Iran Operation Fact Sheet](#). ۲۰۱۹.
۵. UNHCR. [GLOBAL FOCUS UNHCR OPERATION WORLDWIDE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN](#). ۲۰۲۰.
۶. Naseh M, Potocky M, Burke SL, Stuart PH. Assessing Refugee Poverty Using Capabilities Versus Commodities: The Case of Afghans in Iran. Adv Soc Work. ۲۰۱۸; ۱۸(۳):۸۵۳-۷۳ .

۷. شهرابی م. بررسی یک چالش آیا اتباع افغانستانی رقیب جوانان ایرانی در بازار کار هستند؟ پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد مقاومتی. ۱۳۹۶.
۸. خیراللهی ع. کارگران بی طبقه، توان چانه‌زنی کارگران در ایران پس از انقلاب. تهران: انتشارات آگه؛ ۱۳۹۷.
۹. آغاز اجرای همزمان طرح «آمایش ۱۴» و صدور و تمدید پروانه موقت کار (کارت کار) اتباع افغانستانی توسط دفاتر خدمات اتباع خارجی. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. ۱۳۹۸.
۱۰. هزینه‌های اخذ کارت آمایش ۱۴ در مشهد مقدس. خبرگزاری ایرکا. ۱۳۹۸.
۱۱. معاون درمان وزیر بهداشت: در بدبینانه‌ترین حالت تا خرداد درگیر کرونا هستیم. باشگاه خبرنگاران جوان. ۱۳۹۸.
۱۲. Esfahani AN, Hosseini SH. SOCIAL SCIENCES & HUMANITIES Afghan Refugees and Iran's Open Door Policy in the ۱۹۸۰s. Soc Sci Humanit. ۲۰۱۸; ۲۶:۲۳۵-۵۲ .
۱۳. Abbasi-shavazi MJ, Glazebrook D. Second-generation Afghans in Iran: Integration, Identity and Return. ۲۰۰۸ .
۱۴. زندح. گشت شهری و هشداردهی میدانی امدادیاران در قم. خبرگزاری دانشجویان ایران. ۱۳۹۸.
۱۵. محرومیت اتباع افغان از گشت های پایش سلامت. صدای مهاجر. ۱۳۹۸.
۱۶. افغان‌ستیزی نشانه‌ی ضعف فرهنگی است. دیاران. ۱۳۹۷.
۱۷. واعظ زاده، ایرن. روحیه‌ی افغان ستیزی در ایران. هامون ایران؛ تارنمای جامعه‌ی مدنی جنوب ایران. ۱۳۹۴.
۱۸. بوالی، حمیدرضا. شش سوء تفاهم بزرگ درباره‌ی مهاجرین افغان. خبرگزاری تسنیم. ۱۳۹۳.
۱۹. شیوع مهاجرستیزی از تلویزیون ملی ایران. شبکه اطلاع رسانی افغانستان. ۱۳۹۴.

۲۰. زیباکلام ص. نامه‌ی سرگشاده‌ی صادق زیباکلام به رئیس جمهور در اعتراض به وضعیت نامطلوب پناهجویان افغانی در ایران. خبرآنلاین خبرگزاری تحلیلی ایران. ۱۳۹۲.